

گفت و گو

با هماینگلو

دبیر سبزه‌سیر و رحیم!

هما بیگلو از نگاه خودش

از سال ۷۶ در آموزش و پرورش اسلامشهر (یکی از شهرستان‌های استان تهران) تدریس می‌کنم. از طریق آزمون ورودی سال ۷۶ استخدام شده‌ام و در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی به تدریس اشتغال دارم.

تحصیلاتم در رشته زبان و ادبیات فارسی است. کتاب تألیفی‌ام به نام شراب وحدت در جام بیدل است (هنوز چاپ نشده، مجوز چاپ از وزارت ارشاد دریافت شده است). تدریس مفهومی انواع متمم (فعلی، قیدی و اسمی) و نقش مقصود (بیان مباحث فیزیک مدرن در مثنوی) نیز از مقالات این جانب است.

معلم موفق را چگونه تعریف می‌کنید؟

انسانی که دغدغه اصلی‌اش آگاهی‌بخشی به زندگی فردی و اجتماعی باشد. البته این فرد باید علوم و اصولی را نیز فراگیرد و به شرایط اجتماعی واقف باشد. باور به توانمندی فرد و جامعه را در راستای دانستن بداند.

ویژگی‌های بایسته دبیر ادبیات چیست؟

* باور قلبی به این که رشته تدریس دبیر ادبیات آینده‌ای برای شناخت فرهنگ و تاریخ گذشته و پلی برای تداوم فرهنگی نسل‌های مختلف است؛

* تسلط بر دروسی که تدریس می‌کند؛

* داشتن ذهنی پویا و پرورش‌یافته برای پاسخ‌گویی به سؤالات دانش‌آموزان، با توجه به این که ادبیات بسیار گسترده و سؤالات مربوط به آن غیرقابل پیش‌بینی است؛

* پرورش دادن قوه درک دانش‌آموزان در اثنای تدریس در جهت فهم و درک پیام‌های نهفته در متون گذشته و بیشتر لذت‌بردن از آن‌ها؛

* داشتن صدایی دل‌نشین و رسا؛

* سنجیده، شیوا و شیرین سخن گفتن؛

* داشتن ظاهری مرتب، ساده ولی جذاب و دل‌نشین.

از خاطرات به یاد ماندنی دوران معلمی، نمونه‌ای ذکر کنید.

سال‌ها پیش در دبیرستانی کار می‌کردم که تدریس دروس سال دوم به عهده من بود و دروس پایه اول را همکار دیگرم برعهده داشت. همکار پایه اول ارتباط خوبی با دانش‌آموزان برقرار نمی‌کرد و حاصل آن، کلاس آشفته و ناکارآمد ایشان بود.

این همکار محترم در اثنای سال تحصیلی برای این که دانش‌آموزان را با خود همراه کند، آن‌ها را نسبت به سرنوشت بدی که سال آینده با دبیر سخت‌گیر و بی‌رحم (این جانب) خود خواهند داشت، ترسانده بود.

آن سال تحصیلی به پایان رسید، سال بعد بنده با همان دانش‌آموزان کلاس داشتم، جلسه اول بعد از آشنایی و صحبت‌های لازم سرم را پایین انداختم و مشغول تا کردن سر آستین‌های خود بودم که در حین درس گچی نشود. بعد از لحظاتی که متوجه کلاس نبودم و این کار را انجام می‌دادم؛ دوباره به کلاس رو کردم تا تدریس را شروع کنم. حالت عجیب و وحشت‌زده بچه‌ها توجهم را جلب کرد. با نگرانی علت را از بچه‌ها پرسیدم. یکی از آن‌ها با اکراه همراه با ترس پرسید: «خانم چرا آستین‌هایتان را تا می‌کنید؟» گفتم خوب برای این که گچی نشود (با تغییر جو کلاس تدریس را شروع کردم). ماه‌ها بعد راز آن روز را بچه‌ها برایم گفتند که خانم ما از سال قبل و بدون هیچ شناختی از شما هراس داشتیم و در آن لحظه که آستین‌هایتان را بالا زدید فکر کردیم می‌خواهید ما را کتک بزنید. من هم در پاسخ با خنده گفتم: بچه‌ها برای سال آینده برای این که این مشکل جلسه اول پیش نیاید، حتماً با مانتو آستین حلقه‌ای! سر کلاس می‌روم!

مهم‌ترین شاخصه‌ها (محاسن و معایب کتاب‌های درسی)
محاسن:

(الف) ادبیات فارسی: ذکر نمونه‌های نسبتاً موفق در زمینه انواع ادبی (به جز چند استثنا)؛

(ب) زبان فارسی: تدوین دستور براساس اصول زبان‌شناسی و مفهومی شدن بیش‌تر درس‌ها؛

(ج) آرایه: بیان رسا و قابل فهم این کتاب همراه با نمونه‌های خوب.

معایب:

(الف) ادبیات فارسی: اندک بودن نمونه‌هایی از ادبیات معاصر و شعر نو؛

(ب) بعضی اشتباهات در متن درس (البته رفته‌رفته اصلاح شده)؛

(ج) نارسا و مبهم و غیر کاربردی بودن درس شناخت انواع فعل (ساختمان فعل).

نظر تان درباره مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی چیست؟

این مجله جای خالی بعضی ویژگی‌های اکتسابی یک دبیر ادبیات را پر خواهد کرد.

یکی از آثار شاخص خود (کتاب یا مقاله) را معرفی کنید. کتاب شراب وحدت در جام بیدل، به نگاه شهودی-وجودی بیدل در قلمرو وحدت می پردازد. بعضی قائل به وحدت وجود (که یکی هست و هیچ نیست جز او/وحده لا اله، الا هو) در هستی اند و عده ای قائل به وحدت شهودی (به دریا بنگرم دریا تهوینم/ به صحرا بنگرم دریا تهوینم/ به هر جا بنگرم کوه و در و دشت/ نشان از قامت رعنا تهوینم). از این میان بیدل حرف دیگری در نگاه به هستی دارد.

چه روش های بدیعی در تدریس داشته اید؟

در تدریس درس زبان فارسی برای مباحثی که درک آن ها دشوار است از روش الگوسازی بهره گرفته ام. به عنوان مثال تدریس درس گروه های اسمی در کتاب اول و جایگزینی این گروه ها در جمله و پذیرفتن نقش های مختلف کمی مشکل است. با روش الگوسازی فهم پذیرفتن نقش گروه های اسمی راحت تر می شود.

اجرای این روش با کمک دانش آموزان دانش آموزی در روی نیمکتی که از قبل روی آن کلمه نهاد یا متمم یا مفعول و یا... نوشته شده رو به کلاس قرار می گیرد. نیمکت بعدی هم به همین ترتیب (نیمکت های کنار هم یک جمله را بسازند و پیام را منتقل کنند). بعد دانش آموزانی که در نیمکت ها قرار گرفته اند برای خود یارگیری می کنند. در سمت راست و چپ خود دانش آموزانی که یار آن ها هستند می نشینند (یارگیری از میان دانش آموزانی که به دو دسته وابسته پیشین و پسین تقسیم شده اند صورت می گیرد، از قبل نام هر دانش آموز بر سینه اش چسبانده شده و هر کدام قسمتی اختصاصی پای تخته دارند. روی تخته چند نمونه از کلماتی را که در دامنه خود کاربرد دارند می نویسند. با تغییر منظم دانش آموزان در جهت یارگیری دانش آموز اصلی وابسته های پیشین و پسین و به کارگیری آن ها به همراه گروه فعلی تدریس با همکاری دانش آموزان پیش می رود.



شکل الف



شکل ب



شکل ج



شکل د

الف) جمله های دارای دو گروه اسمی نهاد و مفعول و یک گروه فعلی
ب) در گروه اسمی مفعول، هسته به تنهایی آمده است ولی قابلیت گرفتن وابسته پیشین و پسین را دارد.
ج) هسته گروه اسمی مفعول یارگیری می کند (صفت اشاره) البته این یارگیری از بین دوستانی که وابسته پیشین هستند، صورت می گیرد.
د) یاری که از وابسته های پیشین انتخاب شده در قسمت اختصاصی خود کلماتی را که می توانند در دامنه خود باشند می نویسند.
این یار هسته گروه اسمی، وابسته دیگری می گیرد که بعد از خود هسته قرار گرفته است. البته این یارگیری از بین دوستانی که وابسته پسین هستند انتخاب می شود.